

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: ويتخنان

بازی بی پایان

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Va'etchanan 5780

The Infinite Game

نویسنده مشهور و سخنران برنامه تد تاک، سیمون سینک، به تازگی کتابی به نام بازی بدون پایان منتشر کرده است.<sup>1</sup>

بر اساس تمایزی که ابتدا جیمز پ. کارس بیان کرد<sup>2</sup> میان دو نوع نهاد تفاوت هست. یکی بازی پایان مند است که آغاز و پایان دارد، تابع قوانین است، محدوده ها را می پذیرد و برنده ها و بازنده هایی دارد. بیشتر بازی های ورزشی از این دست هستند. اغلب، سیاست این چنین است: مبارزه انتخاباتی، انتخابات، قواعد و اصول و کاندیداهای برنده و بازنده دارد. تجارت را این گونه می توان انجام داد وقتی تمرکز روی سود فصلی، قیمت سهام، بازار و غیره است.

<sup>1</sup> Simon Sinek, *The Infinite Game*, Portfolio Penguin, 2019.

<sup>2</sup> James P. Carse, *Finite and Infinite Games*, Free Press, 1986.

اما همچنین بازی های بدون پایان وجود دارند که هیچ نقطه آغاز یا خط پایان، هیچ برنده و بازنده و هیچ قاعده و اصولی ندارند. هنر، موسیقی و ادبیات از این قبیل هستند. بتهوون برنده نشد. باخ بازنده نشد. هنرمندان بزرگ، قواعد بازی را تغییر می دهند. این کاری است که بتهوون، شوئنبرگ و استراوینسکی انجام دادند؛ همچنین ونگوگ، سزان و پیکاسو. سیاست هم می تواند یک بازی بدون پایان باشد، به شرطی که ورای رقابت ها، عدالت، مساوات و سلامت اخلاقی جامعه را دورنمای خود قرار می دهد. تعلیم و تربیت یک بازی پایانمند است وقتی تمرکز خود را روی نتایج آزمون ها و توانایی ها قرار می دهد، یا اینکه می تواند یک بازی بدون پایان باشد، وقتی هدف خود را درک عمیق و رشد شخصیت قرار می دهد.

بازی های پایانمند، بازی می شوند برای برنده شدن. بازی های بدون پایان به خاطر خودشان بازی می شوند. بازی های پایانمند همیشه در برابر گونه ای جمعیت مخاطب انجام می شوند. بازی های بدون پایان، مشارکتی هستند. ما در آنها شرکت می کنیم زیرا توسط آنها تغییر می کنیم. ونگوگ نیازی به فروختن نقاشی نداشت تا هنر را ارزشمند ببیند. بتهوون دنبال شهرت نبود وقتی سونات ها و کوارترهای خود را نوشت. جیمز جویس خیال نوشتن پرفروش ترین کتاب را نداشت وقتی *اولیسیس* را نوشت.

بازی های بدون پایان وسیله ای برای رسیدن به یک هدف مانند برنده شدن مسابقه قهرمانی، غلبه بر بازار و پیروزی انتخاباتی نیستند. بلکه به قول روانشناسان autotelic هستند، یعنی هدف آنها در خود آنها نهفته است. ما این قبیل کارها را انجام می دهیم زیرا فعالیت هایی به خودی خود خلاق، پرکشش، تعالی بخش و والا هستند.

تا اینجا باید روشن شده باشد که اینها فقط دو نوع بازی نیستند، بلکه دو گونه متفاوت بازی کردن می باشند. اگر در هر کشوری و هر زمانی با سیاست همچون یک بازی پایانمند برخورد شود که در آن فقط نرخ محبوبیت و نتایج انتخاباتی اهمیت دارند، آنگاه به سرعت، سطحی،

مبتذل و سترون می شود. کیفیت رهبری سقوط می کند. مردم بدبین و مشکوک می شوند. اعتماد، فرسایش و همبستگی اجتماعی زوال می یابد. وقتی سیاست از سوی رهبران با حس تاریخ و مقصد ارتقا یابد، وقتی نه به جستجوی قدرت بلکه به شکلی از خدمت به دیگران و مسئولیت اجتماعی تبدیل شود، وقتی انگیزه آن ایده آل های والا و هدف های اخلاقی باشد، آنگاه رهبری تبدیل به میهن دوستی و سیاست تبدیل به فراخوانی شریف می شود.

اینرا نمی گویم که بازی های پایانمند را به کلی کنار بگذاریم. ما به این گونه بازی ها نیاز داریم، زیرا در بسیاری از فضاها زندگی به قواعد، محدوده ها و زمانبندی نیاز داریم. اما همچنین باید فضایی برای بازی های بدون پایان داشته باشیم، زیرا آنها بالاترین فایده را برای روح انسان دارند.

این تفکرها در دو آیه از پاراشای این هفته مطرح شده اند:

حتما دستورها، احکام و قوانین خداوند، خدای خود را که به تو داده شده اند، رعایت کن. در پیشگاه خدا آنچه را درست و خوب است انجام بده... (تثنیه ۱۷-۱۸:۶)

اینجا مسئله این است که آیه اول همه ۶۱۳ میصوت تورات را پوشش می دهد. اینها دستورها، احکام و قوانین هستند. پس چرا تورات می افزاید: "در پیشگاه خدا آنچه درست و خوب است انجام بده"؟ بی تردید انجام آنچه درست و خوب است چیزی کم یا زیاد از رعایت دستورها، احکام و قوانین خداوند ندارد. آیا این دو آیه هر دو یک موضوع را بیان نمی کنند؟

اما چنان که تلمود<sup>3</sup> می گوید: "در پیشگاه خدا آنچه را درست و خوب است انجام بده، یعنی فرد نباید کاری بکند که درست و خوب نیست، حتی اگر قانونا بتواند آنرا انجام بدهد. این

---

<sup>3</sup> Baba Metzia 108a

اساس یک قانون مهم در یهودیت با عنوان *dina debar metzra* است، یعنی "قانون مالک شدن همسایه". وقتی صاحب ملکی بخواهد زمینی را بفروشد، صاحب زمین مجاور آن، حق خرید آنرا دارد. اگر به فرد دیگری فروخته شده باشد، خریدار باید زمین را به همسایه تحویل دهد و همسایه پولی را که او برای خرید داده، به او پس بدهد.

این قانون به مالکیت زمین کار ندارد. عموماً صاحب زمین حق فروش به هر کس که بخواهد را دارد. بلکه این قانون به انجام کار درست و خوب مربوط است که مردم گاهی آنرا *menschlichkeit* می نامند. برای همسایه خرید آن زمین خوبی بزرگی است. می تواند املاک خود را بدون پخش شدن در مناطق گوناگون گسترش دهد. از نظر یک خریدار غریبه از دست دادن این خرید ضرر بزرگی نیست، زیرا می تواند هر جای دیگر زمین دیگری را بخرد. قانون *bar metzra* از اصول قانونی معمولی شروع می کند تا به هدفی اخلاقی برسد: کمک به همسایه خود.

راشی با توجه به این متن تلمودی می گوید که انجام کار درست و خوب در پیشگاه پروردگار یعنی "سازش، رفتار و رای اقتضای قانون." <sup>4</sup> رامام با این حرف موافق است ولی نکته ای برجسته و اساسی را به آن می افزاید:

و هدف این است که از ابتدا خدا گفت دستورها، شهادت ها و قانون های خدا را آن گونه که گفته به جا بیاورید. و اینک، می گوید: حتی درمورد آنچه خدا دستوری نداده، مراقب باش که کار درست و خوب در پیشگاه خدا را انجام دهی، زیرا خدا خوبی و راستواری را دوست دارد. این اهمیت دارد زیرا ناممکن است که در تورات

---

<sup>4</sup> *Lifnim mishurat hadin* actually means "within" not "beyond" the strict demands of the law. The meaning is: I have certain rights in law but I may decide not to exercise them because someone else's welfare may be damaged if I do. "Within" means "I do not go up to the boundary in pressing my legitimate claim. I choose to forego my right."

همه جزئیات رفتارهای انسان ها با همسایگان و دوستانشان یا رفتارهای آنها در کسب و کار و امور محلی پیش بینی شود. تورات بسیاری از این قوانین را ذکر می کند، از جمله: "نباید در برابر ریختن خون همسایه ات بیتفاوت بمانی"، "نباید به فرد ناشنوا توهین کنی"، و بسیاری دیگر. در این آیه به طور کلی می گوید که باید در همه امور آنچه درست و خوب است انجام دهی، از جمله با صلاحدید خود، رفتار و رای مرزهای خشک قانون.<sup>5</sup>

رامبام گویی با راشی همراه است، اما نکته ای دیگر را نیز می گوید. راشی می گوید: "قانون را رعایت کن و فراتر از آن نیکی کن". رامبام می گوید که برخی امور هست که نمی توانند در قانون تصریح شوند: "زیرا ناممکن است که در تورات همه جزئیات رفتار مردم پیش بینی شود." تورات به ما نمونه های مشخص می دهد: شایعه نسا، انتقام نگیر و غیره. اما باقی بستگی دارد به موقعیت، شرایط، فرد و مردمی که با آنها سروکار داری.

به بیان آنچه ابتدای این مقاله خواندیم: همه تورات یک بازی پایانمند نیست. بخش بزرگی از آن چنین هست. قواعد، دستورها، احکام و قوانین دارد. هلاخا هست. محدوده هایی هست: شیر و گوشت، فضای عمومی، فضای خصوصی. آغازها و پایان هایی هست: زودترین زمان گفتن شمع ایسرائل و دیرترین زمان برای آن تعیین شده اند. پیروزی ها و شکست ها وجود دارند: هر یک می تواند شمارش عومر را تکمیل کند و یا نکند. همه اینها پایانمند هستند حتی اگر برای خداوند انجام می شوند.

اما از نظر رامبام [نحمانید] (همچنین در مگید میشنا<sup>6</sup>) در زندگی اخلاقی قلمروهایی وجود دارند که نمی توان آنها را به قواعد فروکاست. زیرا قواعد با عمومیت ها کار دارند، ولی

<sup>5</sup> Ramban Commentary to Deut. 6:18; see also his commentary to Lev. 19:2 where he makes a similar case.

<sup>6</sup> See Maggid Mishneh to Rambam, Hilchot Shekhenim 14:3.

زندگی انسان ها خاص هستند. ما همه متفاوت هستیم. همچنین شرایطی که در آن قرار می گیریم متفاوتند. انسان های نیک می دانند چه زمان سخن بگویند، چه هنگام ساکت باشند، چه زمانی ستایش و یا چالش کنند. آنها کلام ناگفته را می شنوند، درد پنهان مانده را حس می کنند و بیشتر بر روی شخص دیگر تمرکز می کنند تا خودشان و از سوی یک حس عمیقاً درونی شده اخلاقی که آنها را به گونه ای غریزی از هر چیزی کمتر از درست و خوب دور می سازد. "درست و خوب در نظر خدا" با بخشی از زندگی اخلاقی سروکار دارد که بازی بدون پایان است.

در مورد چنین انسانی توصیفی زیبا در مزامیر ۱۵ آمده است: "کسی که رفتارش بی عیب است، به راستواری عمل می کند، از قلب خود حقیقت را می گوید... که به همسایه خود هیچ بدی نمی ورزد و به هیچ کس توهینی نمی کند... که قول خود را حتی اگر به ضررش باشد عملی می سازد و نظرش را تغییر نمی دهد... هر کس این کارها را بکند، هیچ گاه گرفتار نمی شود."

من بر این باور هستم که اشتباهی اساسی است که فکر می کنیم هرچه باید بدانیم و به جا بیاوریم، قواعد حاکم بر *bein adam le-chavero* یعنی میان انسان و هموعان او است. قواعد اهمیت دارند ولی همچنین ناکامل هستند. باید یک خودآگاهی درست کنیم که نگذارد به کسی بدی و آسیب برسانیم، حتی در مواردی که قوانین به ما چنین اجازه ای را بدهند.<sup>7</sup> زندگی اخلاقی، بازی بدون پایانی است که به قواعد فروکاسته نمی شود. باید داشتن حس تشخیص "درست و خوب" را بیاموزیم و آنرا درونی سازیم.

## شبات شالوم

---

<sup>7</sup> Ramban developed for this and similar cases the idea of *naval bi-reshut ha-Torah*. See His commentary to Lev. 19: 2.



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است ● دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقییان Shirin D. Daghighian Persian Translation by